

« بسم الله الرحمن الرحيم »

دانلود حل تشریحی تستهای حسابداری صنعتی ۳ علی اصغر فرج زاده

استاد کاشانی پور

عضو هیئت علمی دانشگاه

کتاب منبع: حسابداری صنعتی ۳ علی اصغر فرج زاده

تعداد: ۴۲ صفحه

برترین مرجع دانلود فایل‌های تخصصی حسابداری

برترین مرجع دانلود پاسخ تشریحی ارشد و دکتری

حسابداران برتر

Web: www.umzacc313.blogspot.com

Email: amoueihamzeh@yahoo.com

$$CM\% = \frac{TCM}{SV} \Rightarrow \frac{fc + I}{SV} = \frac{3 + 1}{80} = 5\%$$

فصل اول صنعت ۱ - ۹

$$SM\% = \frac{80 - 80}{80} = 5\%$$

۲۰ شوال ۱۳۳۳

2012 7 Sep



۱۳۹۱

جمعه
شهریور

$$sb = \frac{fc + I}{CM\%} \Rightarrow 1 - 1 - 1 = \frac{3 + 1}{5\%} \Rightarrow I = 1 - 1 - 1 - 3 = 7 - 1 = 6$$

$$sb = \frac{fc}{CM\%} = \frac{3}{5\%} = 6$$

$$SM\% = \frac{1 - 6}{1} = 70\%$$

IRAN
ELECTRIC

ایام ۱۷ شهریور و عید غدیر جمعی از مردم به دست مأموران ستم شاهی پهلوی (۱۳۵۷ هجری شمسی)

فروش



۱۹ سوال ۱۳۳۳
2012 6 Sep

ایران اکسپریس



پنج شنبه
شهریور

$$8 - x \quad 50\% = 250 \quad \times \quad \text{حالت فروش ۵}$$

$$4 - x \quad 40\% = 140 \quad \times \quad \text{حالت فروش ۴}$$

$$\text{میانگین حالت فروش} = \left(250 \times \frac{41-}{11-} \right) + \left(140 \times \frac{41-}{11-} \right) = 194$$

$$Q_b = \frac{194 \times 11-}{11-} = 1000 \quad \text{تعداد فروش در نقطه ایر به ایر}$$

$$11- \times \frac{41-}{11-} = 47- \quad \text{تعداد فروش در نقطه ایر به ایر ۸}$$

$$11- \times \frac{41-}{11-} = 40- \quad \text{تعداد فروش در نقطه ایر به ایر ۴}$$

۸۸ - فصل چهارم صنعتی ۱:

۱۶ - فصل اول صنعتی ۱:



۱۱-	نوع محصول	قیمت	CM%	CM	ترکیب فروش	میانگین موزون حائیه فروش
	الف	۶۲۴	۴۰٪	۳۹۶٫۶	$\frac{1}{2}$	۷۳٫۹۲
	ب	۷۹۹	۴۰٪	۳۷۹٫۶	$\frac{4}{5}$	۲۴۹٫۰۸
						۳۲۰

$$Q_b = \frac{f_c}{CM\%} \Rightarrow 1,800 = \frac{f_c}{32\%} \Rightarrow f_c = 580.1$$

۱۲- اگر خط سود محصولی به صورت افقی باشد معنی آن این است که حائیه فروش آن محصول منفی است بنابراین با حذف آن هیچ تأثیری بر سود شرکت نخواهد داشت.

۱۳- حائیه فروش محصول الف ۳۰۰ ریال است که با افزایش ۱٪ حجم فروش محصول الف (۳۰۰-۱-۱۰٪) ریال افزایش می‌یابد.

۱۴- خط سود کل محصولات به صورت افقی را در نقطه ۲۵۱,۰۰۰ واحد قطع کرده است. این نقطه بیانگر نقطه سربه سر است. حال اگر حجم فروش از ۵۰۱,۰۰۰ به ۷۰۱,۰۰۰ واحد برسد با توجه به عدم تغییر ترکیب فروش، فقط سربه سر تغییر می‌تواند کرد.

$$Q_b = \frac{T f_c}{CM} \Rightarrow 251 = \frac{701 - 501}{CM} \Rightarrow CM = 80\%$$

$$80\% \times (701,000 - 501,000) = 161,100$$

افزایش حائیه فروش
- هزینه‌های ثابت
افزایش سود شرکت

۱۷-	محصول	فروش	حائیه فروش هر واحد	ترکیب فروش	میانگین موزون حائیه فروش
	آ	۴۰	۲۵-	۴	۱۰۰-
	ب	۳۰	۲۰-	۴	۸۰-
	گاما	۲۰	۱۸-	۲	۳۶-
					۲۱۶۰



$$CM_x = ۲,۰۰۰ \div ۵ = ۴۰۰$$

اولویت سوم

-۲۱

$$CM_y = ۱,۰۰۰ \div ۲ = ۵۰۰$$

اولویت دوم

$$CM_z = ۲,۱۰۰ \div ۳ = ۷۰۰$$

اولویت اول

$$۶۰۰ \times ۳ = ۱,۸۰۰$$

ساعات کار جهت تولید محصول Z

$$۳,۰۰۰ - ۱,۸۰۰ = ۱,۲۰۰$$

ساعات باقی مانده

$$۱,۲۰۰ \div ۲ = ۶۰۰$$

تعداد محصول تولید شده Y

$$(۶۰۰ \times ۱,۰۰۰) + (۶ - ۲) \times ۲,۱۰۰ = ۱,۸۹۰$$

حداکثر حاشیه فروش

حاشیه فروش	ترکیب فروش	CM محزون
۱۵	$\frac{4}{10}$	۹
۲۰	$\frac{4}{10}$	۸
		$\frac{17}{17}$

$$Q_b = \frac{۲۲,۹۵۰}{۱۷} = ۱,۳۵۰$$

$$\left. \begin{aligned} ۱,۳۵۰ \times \frac{4}{10} \times ۳ &= ۲,۴۳۰ \\ ۱,۳۵۰ \times \frac{4}{10} \times ۵ &= ۲,۷۰۰ \end{aligned} \right\} \begin{aligned} &\text{معروف مواد جهت محصول شکرین} \\ &+ \\ &\text{نمکین} \end{aligned}$$

$$\boxed{۵,۱۳۰}$$

جمع مواد معروف شده الف

$$۱۵ \div ۳ = ۵ \quad \text{حاشیه فروش محصول شکرین اولویت اول}$$

$$۲۰ \div ۵ = ۴ \quad \text{نمکین اولویت دوم}$$

$$۱,۳۵۰ \times ۳ = ۳,۷۵۰ \quad \text{مواد معروف شده جهت تولید محصول شکرین}$$



مواد با قیما ندره قیمت تولید محصول نهایی = $۲,۷۵۰ - ۳,۷۵۰ = ۱,۰۰۰$

تعداد محصول نهایی = $۱,۷۵۰ \div ۵ = ۳۵۰$

حاشیه فروش محصول نهایی = $۱,۲۵۰ \times ۱۵ = ۱۸,۷۵۰$

" " " " = $۸۵۰ \times ۲۰ = ۱۷,۰۰۰$

حداکثر سود = $۱۸,۷۵۰ + ۱۷,۰۰۰ - ۲۲,۹۵۰ = ۱۲,۸۰۰$

اولویت سوم - $CM = ۱۰۰ - ۹۰ = ۱۰ \div ۱ = ۱۰$

" اول - $CM = ۹۰ - ۷۰ = ۲۰ \div ۱ = ۲۰$

" دوم - $CM = ۷۰ - ۵۰ = ۲۰ \div ۲ = ۱۰$

۲۵ - نکته = اولویت تولید با محصولی می باشد که نسبت حاشیه فروش بیشتری دارد.

نکته = " " " " " که حاشیه فروش به ازای عامل محدود کننده را دارد.

اولویت	CM%	حاشیه فروش	هزینه متغیر	قیمت فروش	فایده محصول
۴	۸۰%	۲۰۰	۲۰۰	۴۰۰	الف
۳	۷۳.۳%	۲۲۰	۸۰	۳۰۰	ب
۲	۷۷.۸%	۱۸۵	۴۵	۲۰۰	ج
۱	۸۰%	۲۰۰	۵۰	۲۵۰	د

اولویت اول - $CM = ۲۰۰ \div ۴۵ = ۴,۴۴$

" سوم - $CM = ۲۲۰ \div ۵۰ = ۴,۴$

" دوم - $CM = ۱۸۵ \div ۳۵ = ۵,۲۸$

" چهارم - $CM = ۲۰۰ \div ۲۸ = ۷,۱۴$



۲۴-۲- CM	حاشیه	متغیر	مجموع فروش	۲۷-
$(n=14-)$ f c	۱۲-۲-	۲۸-۲-	۱۰۷-۲۴-	x
۱۶-۲- I	۱۲-۲-	۴۸-۲-	۲-۲-x۳	y
	۱۲-۲-	۴۸-۲-		
	۲۴-۲-			

۲۸- نکته = درصد زیاده محدودیت در شرکت مبلغ فروش باشد معمولی انتحاب می شود که نسبت حاشیه فروش بیشتری داشته باشد.

$$\frac{14- - 9-}{12-} = 7.28$$

نسبت حاشیه فروش معمول A

$$\frac{14- - 11-}{10-} = 7.80$$

B " " " "

$$\frac{11- - 8.8-}{11-} = 7.3128$$

C " " " "

$$\frac{8- - 6-}{8-} = 7.20$$

D " " " "

۲۹- نکته = درصد زیاده محدودیت در شرکت تعداد فروش (تفاضل) باشد معمولی انتحاب می شود که حاشیه فروش هر واحد

$$14- - 9- = 5-$$

A حاشیه فروش هر واحد معمول

بیشتری داشته باشد.

$$14- - 11- = 3-$$

B " " " "

$$11- - 8.8- = 2.2-$$

C " " " "

$$8- - 6- = 2-$$

D " " " "

$$11- \times (14- - 9-) = 11.22$$

هر یک از دست رفت



فصل دوم: نکته ۱- هزینه های مربوط

نکته ۲- گاهی اوقات مؤسسه تولیدی سفارش در یافتی از مشتری را به یک	مواد مستقیم	x x
مؤسسه دیگر و انذار می کند در این رابطه باید به سه نکته زیر توجه کرد:	دستمزد	x x
	برابر متغیر	x x
(۲) الف: مقدار قیمت و انذار سفارش به مؤسسه دیگر بدون توجه به کسب سود	ثابت اضافی	x x
	هزینه متغیر اداری و فروش	x x
برابر با هزینه های مربوط می باشد.		x x

(۲) ب) قیمت و انذار سفارش به مؤسسه دیگر با کسب سود برابر با هزینه های مربوط می باشد.

(۲) ج) دریافت سفارش از مشتری مستلزم پرداخت هزینه های توزیع و فروش است و این نوع هزینه ها در صورت و انذار سفارش به یک مؤسسه دیگر نیز وجود دارند بنابراین جزو هزینه های نامربوط می باشد.

نکته ۳- ساخت یک سفارش در صورتی مورد قبول واقع می شود که مؤسسه دارای ظرفیت بلا استفاده باشد و قیمت فروش

پیشنهادهای حداقل یک رطل بیشتر از هزینه های مربوط باشد. در صورت عدم وجود ظرفیت بلا استفاده و تصمیم گیری در رابطه

با قبول یا رد یک سفارش باید بررسی شود که تغییرات در سود از بابت این تصمیم گیری به چه صورت می باشد به عبارت دیگر



باید بررسی شود که آیا قبول یک سفارش جدید در صورت عدم وجود ظرفیت بلا استفاده برای مؤسسه هزینه از دست رفته

دارد یا خیر.

$$\text{برابر بابت مستقیم اضافی} + \text{برابر متغیر} + \text{دستمزد} + \text{مواد} = \text{هزینه ساخت قطعه}$$

$$\text{سود عملیاتی در حالت قبل} + \text{هزینه های ثابت} = \text{تغییر تفاوتی قیمت}$$

$$\text{هزینه های متغیر} - \text{قیمت فروش جدید}$$

$$\text{تعداد نقاط بی تفاوتی} = \frac{n(n-1)}{2}$$



فصل دوم: صنعتی ۳: ۲۰ - با توجه به اینکه ظرفیت بلا استفاده وجود دارد هزینه‌های مربوط به ساخت شامل هزینه‌های متغیر می‌باشد بنا بر این حداقل قیمت قابل قبول باید بیشتر از هزینه‌های متغیر ساخت باشد.

$$۶۸۰ + ۲۴۰ + ۱۸۰ = ۹۰۰$$

۲۱ - با توجه به عامل محدود کننده ساعات کار ماشین آلات اولویت تولید با محصولی است که حاشیه فروش آن به ازای هر ساعت کار ماشین آلات بیشتر باشد.

حاشیه فروش به ازای هر ساعت	زمان مورد نیاز برای تولید هر واحد	CMU	VC	P	نوع محصول
۲۸۰	۱	۲۵۰	۵۰۰	۷۵۰	A
۲۴۰	۲	۱۲۰	۴۸۰	۹۰۰	B
<u>۳۰۰</u>	۳	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	<u>C</u>
۲۸۰	۴	۷۰	۱۵۰	۲۲۰	D

۲۳ - ظرفیت شرکت $21 \times 40\% = 9 \Rightarrow 21 = 18$

۱۸ - بلا استفاده $18 - 9 = 9$

هزینه متغیر هر واحد $870,000 \div 9 = 96$

به دلیل آنکه شرکت در صورت قبول سفارش جدید می‌تواند قبول آن متحمل پرداخت هزینه‌های ثابت می‌شود.

لذا در تصمیم‌گیری جزیره هزینه‌های مربوط نیست. بنابراین حداقل مبلغ قابل قبول هزینه متغیر هر واحد به علاوه

یک ریال می‌باشد. $96 + 1 = 97$ حداقل قیمت پیشنهادی

۲۴ - هزینه‌های مربوط به ساخت قطعه P $3 + 15 + 6 + 5 = 29$

صرفه جویی هزینه‌ها در صورت ساخت قطعه P $10,000 \times (30 - 29) = 10,000$

خرید " " " " " $48,000 - 10,000 = 38,000$



اگر شرکت اقدام به ساخت قطعه ۲ در داخل شرکت کند هزینه فرست از دست رفتن های معادل ۲۵۰۰ ریال خواهد بود

$$- ۲۵ \quad (\text{تعداد فروش} \times \text{بیت شمره}) - (\text{تعداد فروش} \times \text{قیمت فروش هر واحد}) = \text{هزینه} - \text{درآمد} = \text{سود}$$

$$\text{سود} = [(\text{P}_A \cdot Q_A) + (\text{P}_B \cdot Q_B)] - [(\text{هزینه تبدیل} + \text{هزینه مواد}) \cdot Q]$$

$$\text{سود} = [(12,000 - 2Q_A)Q_A + (11,000 - \frac{1}{4}Q_B)Q_B] - (1,400 + 1,200)Q$$

$$Q_A = 2Q_B \quad Q = Q_B$$

$$\text{سود} = [(12,000 - 2 \times 2Q_B)2Q_B + (11,000 - \frac{1}{4}Q_B)Q_B] - 2,600Q_B$$

$$\text{سود} = 24,000Q_B - 8Q_B^2 + 11,000Q_B - \frac{1}{4}Q_B^2 - 2,600Q_B$$

$$\text{شرطی تابع سود} \Rightarrow 24,000 - 16Q_B + 11,000 - Q_B - 2,600 = 0$$

$$\Rightarrow 17Q_B = 26,400 \Rightarrow Q_B = 1547.1$$

$$Q = 1547.1 \rightarrow Q' = 1$$

$$Q = 2Q_B \rightarrow Q' = 2$$

$$Q = \frac{1}{4}Q_B \rightarrow Q' = 9Q$$

$$\checkmark \quad 51 - x(1 - \delta) - f_c = 51,000 \Rightarrow f_c = 10,000 \quad - ۲۶$$

$$31 - x(9 - \delta) - 10,000 = 1,000$$

$$10,000 \times (9 - \delta) - 10,000 = 0$$

$$\text{حداکثر مبلغ واگذاری سفارش} = 2,120 \quad - ۲۷$$

$$\text{هزینه راه حل اول} \rightarrow 51,000 \quad - ۲۸, ۲۶$$

$$\text{هزینه راه حل دوم} \rightarrow 2,120 + [(11 - 40\%) + (51,000 \times 35\%) + (2,120 \times 25\%)] \times 90 = 51,345,000$$

$$- ۳۰ \quad \text{هزینه در صورت بسته بندی چای در داخل شرکت} = 154,000,000 \times (500 + 1,400 + 1,200) = 154,000,000$$

$$\text{هزینه در صورت بسته بندی چای در خارج شرکت} = 154,000,000 \times (678 + 1,222 + 1,016 + 248) = 148,555,000$$

$$\text{مبلغ صرف جویی از بابت خرید ظروف از سرور} = 1,450,000 \quad - ۱۴۸,۵۵۵,۰۰۰$$



- ۳۱

$$\frac{۲۱۰۰}{۲۱۰۰} = \frac{۵۰۰}{۵۰۰}$$

۲۱۷۵۰

۹۱ = ۲۸۷۱۵

ساعات مورد نیاز برای تولید واحد

$$\frac{\text{ساعات کار انجام شده} - \text{ساعات مورد نیاز برای تولید}}{\text{ساعات کار انجام شده}} = \frac{۲۸۷۱۵ - ۵۵۰}{۵۵۰} = ۲۸\%$$

- ۳۲ هزینه های مربوط به ساخت قطعه الف $۵۰۰ + ۸۰۰ + (۱۱۲۰۰ \times \frac{۱}{۳}) = ۱۱۷۰۰$

کاهش سود بابت خرید قطعه الف از بیرون $۵۰۰۰ \times (۱۱۸ - ۱۱۷) = ۵۰۰۰$

- ۳۳ هزینه های مربوط به ساخت سفارش $۴۱۵۰۰ - ۳۰۰۰ = ۳۸۵۰۰$

درآمد فروش $۵۵۰۰۰ = ۴۱۰۰ - (۱۰۰۰ \times ۱۱۵۰۰) = ۴۱۰۰$

قیمت فروش هر واحد $۵۵۰۰۰ \div ۱۰۰۰ = ۵۵۰۰$

- ۳۴ هزینه مربوط به ساخت سفارش جری $۹۹۰ - ۸۰ = ۱۲۰$

قیمت فروش پیشنهادی $۱۲۱ = ۱۲۰ + ۱$

چون سازمان با طرفیت خالی مواجه است پذیرش این پیشنهاد اثری بر هزینه های ثابت نخواهد داشت و سازمان

می تواند قیمت ۱۲۱ ریال را به عنوان حداقل قیمت سودآور پیشنهاد نماید

- ۳۵ سود کلانی $۳۰ - (۸۰ - ۴۰) - ۴۰ - ۱ = ۵۰ - ۱ = ۴۹$

تعداد فروش در نقطه تعادل $\frac{۷۱ - ۱ - ۵۱ - ۱}{۷۱ - ۴۱} = \frac{۱۲۱ - ۱}{۳۰} = ۴۰$



۳۶- مصرف جوی در هزینه عملیاتی $\times ۸ = (۱۲۵۱ - ۱۰۱ - ۱۰۱)$

بهای فروش ماشین قدیم
بهای خرید ماشین جدید

۱۲۵۱۰۰۰
۵۱۰۰۰
(۹۰۶۰۰۰)

مصرف جوی در هزینه ها (اقتراش در سود) بابت جایگزینی ماشین آلات جدید

۸۰۶۰۰۰

۳۷- معامت استهلاک در واحد در حالت قدیم

$\frac{۵}{۹۰} \times ۲۴۶۰۰۰ = ۲۱۰۰۰$

مصرف جوی در حالت جایگزینی کردن ماشین آلات جدید

$۲۱۰۰۰ \times ۱۰\% = ۲۱۰۰$

هزینه استهلاک سالانه ماشین آلات جدید

$\frac{۸۲۱۰۰۰ - ۲۱۰۰۰}{۸} = ۱۰۱۰۰۰$

برای توجیه اقتصادی خرید ماشین آلات جدید باید حداقل تعداد کالایی را به فروش رساند که هزینه استهلاک سالانه ماشین آلات

جدید را پوشش دهد. حداقل تعداد فروش سالانه

$\frac{۱۰۱۰۰۰۰۰}{۲۰۰} = ۵۰۶۰۰۰$

۳۸- شرکت در ظرفیت کامل فعالیت می کند بنابراین قبول پیشنهاد جدید موجب کاهش در تولید فروش محصول دیگر می شود.

تعداد فروش محصول بی که باید به خاطر پذیرش سفارش جدید حذف شود.

$۹۰ - x \cdot ۲ = ۱۲۱ -$

کاهش در سود به دلیل حذف محصول بی.

$۱۱۶ - x (۱۰ - ۷۰۰) = ۳۱۶ -$

هزینه های متغیر هر واحد سفارش جدید.

$۱۸ - + ۵۰۰ + ۵۰ = ۲۱۳۵۰$

اقتراش در سود به دلیل قبول سفارش جدید

$[۹۰ - x (۲۰ - ۲۱۳۵۰)] - ۱۸۰۱۰۰۰ = ۳۱۷۲۰۱ -$

خالص اقتراش در سود به دلیل پذیرش سفارش جدید

$۳۱۷۲۰۱ - ۲۱۳۵۰ - ۱۸۰۱۰۰۰ = ۱۲۱۰۰۰$

۳۹- بهای هر قطعه به ساخت در داخل شرکت

$(۱۵۱ - + ۹۱ - + ۲۴۱ -) = ۴۸۱ -$

» » » خرید قطعه الف

$۳۴۰ \times ۱۵۰ = ۵۱۰۰۰$

۴۰- هزینه ثابت غیر قابل اجتناب بخش ۲ $1480 - X \cdot 70\% = 11880$

هزینه فروش جدید بخش ۲ $(1380 - 8280) \times 110\% = 90780$

لورد شرکت در حالت جدید $90780 - (88180 + 11880) = 2370$

۴۲- شرکت آلفا اگر سفارش جدید را به تولید کسبه دیگر و انبارهای هزینه های فروش نیز حذف می شود.

هزینه های مربوط به اجتناب $21 - 21 + (21 - X \cdot 60\%) = 418$

اگر تولید کسبه بیرون بهای پیشنهادی را کمتر از ۴۱۸ ریال ارائه کند این اقدام مقرون به صرفه است $418 - 1 = 41799$

۴۳- لورد ناشی از پرداختش اضافی بیرون محصول X $(418 - 281) - 61 = 81$

زیان " " " " " $(418 - 281) - 61 = 81$

پرداختش یا عدم پرداختش محصول چ لورد را تغییر می کند $(321 - 241) - 81 = 0$

۴۴- در امر تصمیم گیری هزینه های مشترک نامربوط و هزینه های بعد از نقطه تفکیک مربوط می باشد.

$81 \div 21 = 4$

۴۵- هزینه ثابت هر واحد $400000 \div 17 = 41176$

هزینه متغیر هر واحد $71 - 41176 = 31$

بهای تمام شده هر واحد $41176 + 31 + 31 = 41238$

۴۶- حجم به متقاضی محصول معیوب در صورت بازسازی $21 + 21 = 41$

زیان ناشی از بازسازی محصول معیوب $81 - X(21 - 81) = (281 - 1)$

خالص زیان ناشی از عدم بازسازی محصول معیوب $81 - X(12 - 61) = (241 - 1)$



مخالص زیاده ناشی از عمر آبار سازی معمول معیوبه $۱-۱- = ۲۶۱-۱- - ۲۵۱-۱- =$

هزینه فروخت از دست رفته در صورت انتقال به بازار سازی معمول معیوبه $۱-۱- =$ وجود خواهر داشت.

۴۷- هزینه مربوط به ساخت قطعه آلفا $۱۳+۹+۳=۲۹$

صرفه جویی در صورت ساخت به آلفا $۱۰۱۰۰۰ = (۳۰-۲۹) \times ۱۰۰۰۰$

صرفه جویی در صورت خرید قطعه آلفا از بیرون $۳۵۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ = ۲۵۰۰۰$

۴۸- $x = ۱,۲- \Rightarrow ۴۸۰ = x \times ۴۰\% = x \times ۰,۴$ کل برابر $21 = [در کمزرد + مراد = بهای اولیه]$

$x = ۷۰\% (x + ۱,۲-) \Rightarrow x - ۷۰\% x = ۷۲۰ \Rightarrow ۴۰\% x = ۷۲۰ \Rightarrow x = \frac{۷۲۰}{۴۰\%} = ۱,۸-$

بهای اولیه ۱۸۰۰ هزینه های مربوط $۱,۸۰۰ + ۴۸۰ + ۳۰۰ = ۲,۵۸۰$

قیمت پیشنهادی $x - ۲,۵۸۰ = ۱ \Rightarrow x = ۲,۵۸۱$



$۱,۳۰۰ - ۵۰۰ = ۸۰۰$

در کمزرد مستقیم یک واحد

۴۹-

$۸۰۰ \times ۵۰\% = ۴۰۰$

برابر ساخت یک واحد

چون ظرفیت بالا است و داریم برابر با یک ساخت، هزینه های مربوط تعلق نمی شود.

$۴۰۰ - ۱۸۰ = ۲۲۰$

برابر متغیر هر واحد

هزینه ساخت لغزش - خروجی = سود لغزش

$۱,۵۲۰ = x - ۵۰\% x$

$۱,۳۰۰ + ۲۲۰ = ۱,۵۲۰$

هزینه ساخت یک سفارش خاص

قیمت فروش $x = ۱,۹۰۰$



$$1-1- = 157-1- + 21 \Rightarrow 21 = 57-1- \leftarrow \text{نود}$$

$$\text{تعداد فروش در نقطه متقاطع} = \frac{157-1- + 57-1-}{21- - 21-} = \frac{214-1-}{1-} = 214-1- = 214-1- \leftarrow$$

$$1 + 4 + 3 = 18 \quad \text{هزینه ساخت لغزش} \quad - 81$$

$$21 - 18 = 3 \Rightarrow 21 = 19 \leftarrow \text{حداقل قیمت پیشنهادی}$$

در صورت توقف	در صورت تعریف	- 82
-	919-1- حاشیه فروش	
-	(1018-1-) هزینه ثابت قابل اجتناب	
(114-1-)	(114-1-) - - - - - در غرض اجتناب	
(114-1-)	(919-1-) زیان	

$$919-1- - 114-1- = 112-1- \leftarrow \text{کاهش زیان یا افزایش سود}$$

$$41-1- + 21- Q = 112-1- + 21- Q \quad - 83$$

$$1- Q = 11-1- \Rightarrow Q = \frac{11-1-}{1-} = 11-1- \leftarrow \text{نقطه بی تفاوتی}$$

$$1-1- + 100 Q = 451-1- + 40 Q \quad - 84$$

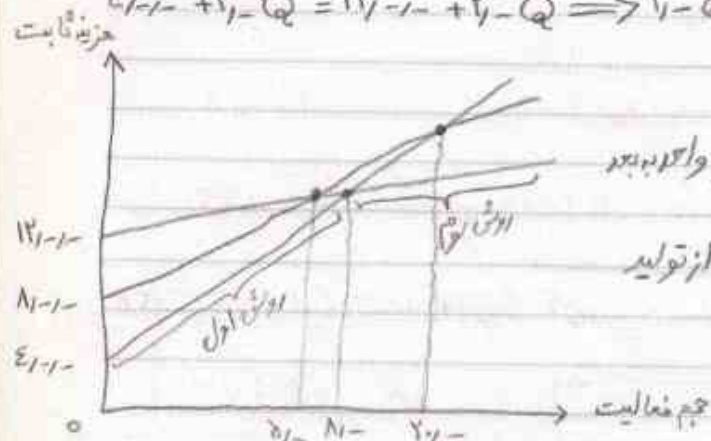
$$40 Q = 251-1- \Rightarrow Q = \frac{251-1-}{40} = 6,275 \leftarrow \text{نقطه بی تفاوتی}$$



$$۵۵- \text{روشن اول و دوم} \quad \varepsilon_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q = \lambda_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q \Rightarrow \gamma_{1-} - Q = \varepsilon_{1-1-} \Rightarrow \boxed{Q = \gamma_{1-}}$$

$$\text{روشن دوم و سوم} \quad \lambda_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q = \lambda_{2-1-} + \gamma_{1-} - Q \Rightarrow \lambda_{1-1-} - Q = \lambda_{2-1-} \Rightarrow \boxed{Q = \lambda_{1-1-}}$$

$$\text{روشن اول و سوم} \quad \varepsilon_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q = \lambda_{2-1-} + \gamma_{1-} - Q \Rightarrow \lambda_{1-1-} - Q = \lambda_{2-1-} \Rightarrow \boxed{Q = \lambda_{1-1-}}$$



در حجم تولید بین λ_{1-1-} و γ_{1-} واحد روشن اول و واحد دوم

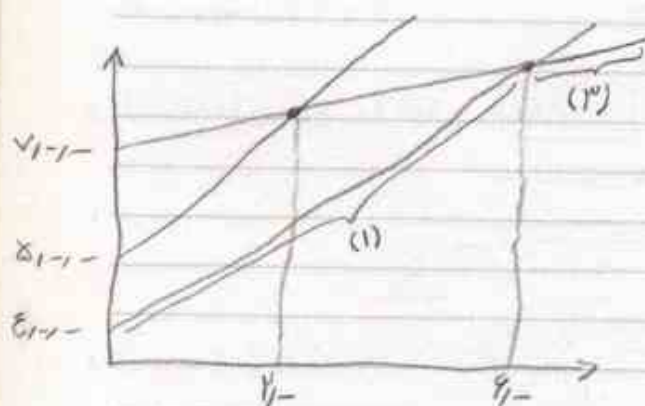
روشن سوم انتخاب خواهد شد و روشن دوم در هیچ جایی از تولید

انتخاب نمی شود.

$$۵۶- \text{روشن اول و دوم} \quad \varepsilon_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q = \lambda_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q \Rightarrow \boxed{Q = \gamma_{1-}}$$

$$\text{روشن اول و سوم} \quad \varepsilon_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q = \lambda_{2-1-} + \gamma_{1-} - Q \Rightarrow \boxed{Q = \gamma_{1-}}$$

$$\text{روشن دوم و سوم} \quad \lambda_{1-1-} + \gamma_{1-} - Q = \lambda_{2-1-} + \gamma_{1-} - Q \Rightarrow \boxed{Q = \gamma_{1-}}$$



در حجم تولید γ_{1-} و γ_{2-} واحد روشن اول و از λ_{1-1-} واحد

بعد روشن سوم بهترین انتخاب خواهد بود و روشن دوم

همواره زائد است.



$$A'_{\text{روش}} = (2,1 \times 8,1 \dots) + 8,1 \dots = 18,1 \dots$$

- ۵۷

$$B'_{\text{روش}} = (1,2 \times 8,1 \dots) + 7,1 \dots = 18,1 \dots$$

$$C'_{\text{روش}} = (1,1 \times 8,1 \dots) + 12,1 \dots = 17,1 \dots$$

$$D'_{\text{روش}} = (5,1 \times 8,1 \dots) + 14,1 \dots = 19,1 \dots$$

روش انتخاب می شود که کمترین هزینه را دارد. روش ب. مناسب ترین روش است.

۵۸- برای حل این سوال باید از روش آنزومور و خط استفا ده کنیم:

$$8,1 \dots + 4,1 \dots - Q = 7,1 \dots + 2,1 \dots - Q \Rightarrow Q = 2,1 \dots$$

روش اول و دوم

$$8,1 \dots + 4,1 \dots - Q = 1,1 \dots + 1,8 \dots - Q \Rightarrow Q = 2,1 \dots$$

روش اول و سوم

$$7,1 \dots + 2,1 \dots - Q = 1,2 \dots + 1,8 \dots - Q \Rightarrow Q = 2,1 \dots$$

روش دوم و سوم



فروش ۲۵۰۰

نود تا خالص $250 - x \times 6\% = 100$ فصل اول: محاسبه $3 = 7 -$

به تنهایی (۱۵٪)

نود تا خالص $100 -$

مک	
۱۵۰۰	۱۴۸۰۰
	۱۶۸۰۰
	۱۸۳۰۰

$$250 - x \times 6 = 1320$$

مواد مورد نیاز جهت تولید

۸-

$$250 - x \times 6\% = 100 \Rightarrow 250 - 100 = 150$$

مواد مورد نیاز جهت تولید

مک	
۱۳۲۰	۲۵۰۰
	۱۳۲۰
	۱۴۰۰

$$91 \times 12.5\% = 2,170,000 \Rightarrow 91 = 1,739,000$$

خرید مواد خام

۹-

$$250 - x \times 10 \times 18\% = 37,800$$

مواد مورد نیاز جهت تولید

۱۰-

$$250 - x \times 10 \times 18\% = 37,800$$

مواد مورد نیاز جهت تولید

$$(250 - x \times 10) + 37,800 - 37,800 = 248,100$$

مواد خام مورد نیاز

۱۱-

تولید جهت فروش

فروش	خرید	تولید	تولید جهت فروش
۸۰۰	۷۰۰	۹۰۰	۸۰۰
۱۲٪	۱۲٪	۱۲٪	۱۲٪
۷۱۲۰	۹۱۲۰	۸۱۲۰	۷۱۲۰
۱۲۲۰	۱۴۹۰	۱۴۹۰	۱۲۲۰
۶۰۰	۸۱۲۰	۸۱۲۰	۶۰۰
۶۱۲۰	۸۱۲۰	۸۱۲۰	۶۱۲۰
۶۱۲۰	۸۱۲۰	۸۱۲۰	۶۱۲۰

$$81 - x \times 12\% = 91$$

$$91,200 + 71,200 + 81,200 = 243,600$$

مجموع تولید جهت فروش



تغییرات در وجه نقد

-۱۲

(۱-۱-)	زیان خالص
۴۰-	+ اقراض ح بی
۶۰-	+ کاهش ۲
۳۸۱-	+ هزینه استهلاک
(۱۵۰-)	- خرید ماشین آلات
۱۰-	+ بدی گارانتی محصول
۳۷-	اقراض در وجه نقد

۲۶۵-	۱۴-	ک
	۲۱۱-	بودجه ریالی خرید
	-	

۳۱-	فروش
(۲۶۵-)	بابتش *
۷۵-	نود خالص (۲۵٪ × ۳۰۰)

$$۲۱۱- + ۲۰۴- = ۲۳۱- \text{ بودجه نقدی خرید}$$

وجه نقد دریافتی در تیرماه

-۱۴

۴,۰۷۴	وصول بابت فروش ماه قبل در دوره تخفیف (۷۱- × ۹۷٪ × ۹۷٪)
۱۴۰	" " " " بعد از دوره تخفیف (۷۱- × ۲۰٪)
۷۵۰	" " " " دو ماه قبل (۴۱- × ۱۵٪)
۴,۲۲۴	جمع وصولی در تیرماه

وجه نقد دریافتی در تیرماه

-۱۵

۳,۴۰۱-	وصول بابت فروش ماه قبل در دوره تخفیف (۱۵۱- × ۲۵٪ × ۹۷٪)
۷,۵۰۱-	" " " " بعد از " " (۱۵۱- × ۵٪)
۲۰۱-	" " " " دو ماه قبل (۱۰۱- × ۲۰٪)
۱۳,۱۰۲-	جمع وصولی در تیرماه



۱۰ ذی القعدة ۱۳۳۳
2012 27 Sep

ایران الکتریک

۱۳۴۱

پنج شنبه
مهر

وجه نقد پیش بینی شده

۱۶-

۴۱-۱-	وجه نقد اول آذرماه
۴۱-۱-	+ دریافتها
(۱۱-۱-)	- پرداختها
(۵۱-۱-)	- وجه نقد پایان آذرماه
(۹۱-۱-)	مازاد (کسر) وجه نقد

۱۷-

بودجه تولید	بودجه خرید مواد
۴۲-	مقدار مصرف بودجه (۴۴۱-۸۳)
۲۴-	+ ۲ پ دور
۹۹-	جمع مقدار مورد نیاز
(۲۲-)	- ۲ اول دوره
۴۴-	تولید بودجه شده
	۱۴۲-

۱۸- افزایش > - فروش = وجه نقد دریافتی با فروش

$$۷۸۶- = ۸۱- - ۲۱-$$

۱۱ ذی القعدة ۱۳۳۳
2012 28 Sep



۱۳۴۱

جمعه
مهر

۱۹-

$$\begin{aligned} ۸-۱- & \text{ فروش} \\ ۲۴- & \text{ به استیفا} \\ ۱۹- & \text{ بود ناخالص} \end{aligned}$$

$$۸-۱- - ۹۱ = ۲۵\% \times ۸-۱-$$

$$۱۲۵\% \times ۸-۱- = ۸-۱-$$

$$۸-۱- = \frac{۸-۱-}{۱۲۵} \times ۱۰۰ = ۶۴۶-$$

$$۶۴۶- \times ۲۵\% = ۱۶۱-$$

$$\begin{array}{r} \text{مک} \\ ۶۴۶- \\ \hline ۶۵۱- \\ \hline ۱۶- \end{array}$$

وجه نقد پرداختی بابت خرید

$$۷۱- + (۸۱۱۰۰۰ \times ۱۰\%) - (۸۰۲۰۰ \times ۲\%) - ۲۰- = ۱۰۴۱-$$

وجه نقد پرداختی بابت هزینه ها

$$۶۵۱۰۰۰ + ۱۰۴۱۰۰۰ = ۷۵۵۱۰۰۰$$

وجه نقد پرداختی



۲۰- چون ۷۰٪ از مطالبات در مرداد ماه و ۱۰٪ آن در شهریور ماه وصول شده است پس مانده ج دریافتنی از فروش

مرداد در پایان شهریور معادل ۷۰٪ می باشد. فروش مرداد ماه $9000000 \div 70\% = 12857142$

وصول مطالبات مرداد ماه در شهریور $12857142 \times 10\% = 1285714$

$$12857142 \times 70\% = 8999999$$

۲۱- مطالبات باقیمانده آذر ماه

$$1400000 \times 70\% = 980000$$

آبان

$$200000 \times 70\% = 140000$$

مهر

$$(1200000 \div 70\%) \times 70\% = 1200000$$

شهریور

$$(9000000 \div 70\%) \times 70\% = 9000000$$

مرداد

$$(200000 \div 70\%) \times 70\% = 200000$$

مهر

$$8999999 + 980000 + 140000 + 1200000 + 9000000 + 200000 = 14219999$$

مانده ج در پایان آذر ماه

بودجه دریافتی نقدی مهر ماه

۲۲

وصول از بابیت فروش شهریور ماه $(1200000 - 1200000 \times 10\% \times 70\%)$

مرداد ماه $(8999999 - 1285714 \times 10\% \times 70\%)$

مهر ماه $(1400000 - 140000 \times 10\% \times 70\%)$

وصول از بابیت فروش مهر ماه $(9000000 - 900000 \times 10\% \times 70\%)$

۱۱۰۴۰۰۰

جمع مبلغ وصولی مهر ماه

$$12857142 \times 70\% = 8999999$$

۲۳

$$\begin{array}{r} 7000000 \\ - 11285714 \\ \hline \end{array}$$

خبر

$$12857142 + 1200000 = 14057142$$

خبر



فصل چهارم = صنعتی ۳ = ۶ - هزینه های متغیر هر واحد در سطح ۲,۰۰۰ واحد $۲۵۰ + ۵۰ = ۳۰۰$

فصل پنجم = صنعتی ۱ = ۶ - هزینه های متغیر هر واحد در سطح ۱,۰۰۰ واحد $۳۵۰ + ۱۰۰ = ۴۵۰$

$$\text{نرخ هزینه متغیر} = \frac{(۲,۰۰۰ \times ۳۰۰) - (۱,۰۰۰ \times ۴۵۰)}{۲,۰۰۰ - ۱,۰۰۰} = ۱۵۰$$

$$۴۵۰,۰۰۰ = f_c + (۱,۰۰۰ \times ۱۵۰) \Rightarrow f_c = ۳۰۰,۰۰۰$$

$$۴۰۰ + ۳۰۰ + ۱۵۰ = ۸۵۰$$

$$\text{نرخ هزینه متغیر هر واحد} = \frac{۱,۲۱۰,۰۰۰ - ۱,۱۱۰,۰۰۰}{۲,۰۰۰ - ۱,۰۰۰} = ۱۸۰$$

-۷

$$۱,۱۱۰,۰۰۰ = f_c + (۱,۰۰۰ \times ۱۸۰) \Rightarrow f_c = ۷۸۰,۰۰۰$$

$$\text{نرخ هزینه متغیر هر واحد} = \frac{۱,۴۷۰,۰۰۰ - ۱,۱۱۰,۰۰۰}{۲,۰۰۰ - ۱,۰۰۰} = ۱۸۰$$

$$\text{نرخ هزینه متغیر هر واحد} = \frac{۲,۱۸۴,۲۴۰ - ۱,۸۰۵,۵۲۰}{۲,۰۰۰ - ۱,۰۰۰} = ۳۷۸,۷۲۰$$

-۸

$$۱,۸۰۵,۵۲۰ = f_c + (۱,۰۰۰ \times ۳۷۸,۷۲۰) \Rightarrow f_c = ۱۸۰,۵۲۰$$

$$\text{نرخ هزینه متغیر هر واحد} = \frac{۲,۱۸۴,۲۴۰ - ۱,۸۰۵,۵۲۰}{۲,۰۰۰ - ۱,۰۰۰} = ۳۷۸,۷۲۰$$

$$\text{نرخ هزینه متغیر هر واحد} = \frac{۲,۱۸۴,۲۴۰ - ۱,۸۰۵,۵۲۰}{۲,۰۰۰ - ۱,۰۰۰} = ۳۷۸,۷۲۰$$

-۹

نرخ هزینه متغیر در سطح ۷۰٪

$$۳۷۸,۷۲۰ = f_c + (۷۰\% \times ۳۷۸,۷۲۰) \Rightarrow f_c = ۲۶۵,۱۰۴$$

نرخ هزینه متغیر در سطح ۸۸٪

$$(۳۱,۶۶۰ + ۳۷۸,۷۲۰ + ۲۶۵,۱۰۴) \times \frac{۸۸\%}{۷۰\%} = ۸۰,۶۸۸$$

$$(۸۰,۶۸۸ + ۲۶۵,۱۰۴ + ۲۶۵,۱۰۴) = ۵۱۰,۸۹۶$$

جمع هزینه های هر دو مرحله در سطح ۸۸٪ فعالیت



$$\begin{cases} VC(\delta_{1,m}) + f_C = 237,1m \\ VC(9_{1,m}) + 1,28f_C = 287,1m \end{cases}$$

$$\begin{cases} -1,28 \left\{ \begin{aligned} -22,8 - VC - 1,28f_C &= -287,8m \\ 9_{1,m}VC + 1,28f_C &= 287,1m \end{aligned} \right. \\ \hline \frac{-2,56 - VC}{-2,56 - VC} = \frac{-287,8m}{-287,1m} \end{cases}$$

$$VC = \frac{-2,56 - 1}{-2,56} = 3,1m$$

$$\text{نرخ جذب برابر متغیر} = \frac{166,7 - 140,8}{380 - 241} = 240,36$$

$$1,1m \times \delta_{1,m} = \delta_{1,m}$$

$$2,1m \times \epsilon_{1,m} = 9,1m$$

$$\text{نرخ جذب برابر متغیر} = \frac{71,1 - 81,1}{2,1 - 1,1} = \epsilon_{1,m}$$

$$\delta_{1,m} = f_C + (1,1 - \epsilon_{1,m}) \Rightarrow f_C = 1,1 -$$

$$1,8 - 1 - 9,1 = 28$$

نرخ جذب برابر متغیر در کلیم بلوک

$$9_{1,m} \times 80\% = \epsilon_{1,m}$$

ملاحظات کار در بلوک ظرفیت عادی

$$2,8m \div \epsilon_{1,m} = 50$$

نرخ جذب برابر ثابت

$$50 + 28 = 78$$

نرخ جذب برابر

$$2,8m \times 80\% = 2,1m \text{ ظرفیت عادی} = 80\% \text{ ظرفیت عادی}$$

$$\text{نرخ جذب برابر متغیر} = \frac{8 - 1 - 49,1}{2,8 - 2,1} = 99$$

$$49,1m = f_C + (2,1m \times 99) \Rightarrow f_C = 33,8m$$



$$۲,۱۵۰ = (۲,۵۰۰ \times ۸۶\%) \Rightarrow \text{صاعه کار} = ۸۶\% \text{ ظرفیت عادی}$$

$$۴۷۹,۹- = (۲,۱۵۰ \times ۶۶) + ۳۳۵,۰۰۰ = \text{بودجه مجاز ۸۶\% ظرفیت عادی}$$

$$\text{نرخ برابر ثابت} = \frac{۳۳۵,۰۰۰}{۲,۵-} = ۱۳۴$$

$$\text{انحراف ظرفیت} = (۲,۱۵۰ - ۲,۵-) \times ۱۳۴ = ۴۹,۹-$$

$$۲,۱- + ۴,۱- + ۲,۱- = ۸,۱- \quad \text{بیت شش متغیر} \quad -18$$

$$Tc = ۹,۱- + ۸,۱- = \text{معادله بیت شش کسب خالص}$$

$$۲,۱- + ۴,۱- + ۲,۱- + ۱,۵- + ۵,۰- = ۱۱,۱- \quad \text{مزین متغیر هر واحد} \quad -19$$

$$۹,۱- + ۴,۱- + ۱۱,۱- = ۲۴,۱- \quad \text{مزین ثابت کل}$$

$$۲,۵- \times ۸۰\% = ۲,۰- \quad \text{بودجه در سطح ۸۰\% ظرفیت عادی}$$

$$[(۱۵,۱- - ۱۱,۱-) \times ۹,۱-] - ۲۴,۱- = ۵,۱- \quad \text{نقد}$$

$$۱۲۵ \div ۲۵\% = ۵۰۰ \quad \text{نرخ جذب برابر ثابت در سطح ۴۰۰ واحد} \quad -17$$

$$(n + ۵۰۰) = \text{نرخ جذب برابر در سطح ۴۰۰ واحد}$$

$$n + ۱۲۵ = (n + ۵۰۰) \quad \text{" " " " " "}$$

$$۹۲,۵ (n + ۵۰۰) = (n + ۱۲۵) \Rightarrow n = ۵۰۰ \quad \text{نرخ جذب برابر متغیر}$$

$$(۵۰۰ + ۵۰۰) = ۱,۰۰۰ \quad \text{نرخ جذب برابر در سطح ۴۰۰ واحد}$$

$$(۵۰۰ + ۱۲۵) = ۶۲۵ \quad \text{" " " " " "}$$

۷۶۵



۱۷ ذی القعدة ۱۳۳۳
2012 4 Oct

ایران استریک

پنج شنبه ۱۲۴۱
مهر

سرانه بهای استریک = $\frac{۷۱۲}{۱۲} = ۶۰۰$

در متغ ۹۰
۱۲ = ۱۲

-۱۹

$\frac{۹۹۰}{۱۲} = ۸۰ \Rightarrow$ بودجه کل برای خرید استریک = $(۱۶ \times ۸۰) + ۹۰۰ = ۱۸۸۰$

۲۰ - مبلغ ۳۷ دفتر

-۲۱

۳۷۵

۱۴۹۱

چهارشنبه
شهریور

فصل الاستریک

۲ سوال ۱۳۳۳
2012 22 Aug

$$\text{تارج هزینه متغیر هر واحد} = \frac{۲۲۱,۵ - ۱۷۸,۵}{۲۵,۱ - ۲۵,۱} = ۴,۵$$

$$\left. \begin{array}{l} \text{فصل دوم} = ۶۳ = \text{صنعتی ۱} \\ \text{فصل چهارم} = ۲۰ = \text{صنعتی ۳} \end{array} \right\}$$

$$\text{هزینه ثابت کل} = ۱۷۸,۵ - (۴,۵ \times ۲۵,۱) = ۶۹,۱$$

$$\text{تارج جذب هزینه متغیر برای هر ساعت} = \frac{۶۹,۱}{۳,۱} = ۲,۲$$

$$\text{تارج جذب هزینه ثابت برای هر ساعت} = \frac{۴,۵}{۱,۵} = ۳$$

$$\text{تارج جذب برابر متغیر} + \text{تارج جذب برابر ثابت} = \text{تارج جذب برابر برای ایستگاه کارما شین}$$

$$\boxed{۵,۲} = ۳ + ۲,۲$$

$$\text{نرخ جذب هر بار تغییر} = \frac{۴۴۱ - ۲۸۱}{۸۸ - ۴۸} = ۴۰۰$$

-۲۱

$$۲۸۱ = f_c + (۴۸ \times ۴۰۰) \Rightarrow \boxed{f_c = ۱۱,۰۰۰}$$

$$\text{نرخ جذب هر بار ثابت} = \boxed{۱۱,۰۰۰ \div ۴۰ = ۲۷۵}$$



فصل پنجم: جمعیت ۳ = ۲۷ -
عمره جویی نقدی در هزینه ها
۹۱-۱-
$$\frac{21-1-}{10} = 21-1- \Rightarrow$$

هزینه استهلاک
سود قبل از مالیات
مالیات (۲۸٪)
سود بعد از مالیات
+ هزینه استهلاک
خالص جریان نقدی قابل نام
$$\frac{21-1-}{10} = 21-1- \Rightarrow$$

۹۱-۱-
۴۱-۱-
۱۱-۱-
۳۱-۱-
۲۱-۱-
۸۱-۱-

$$71-1- = 21-1- + 51-1- =$$
 میزان نقدی سال دوم

۲۸- جریان نقدی هر طول ۲ سال برابر مبلغ سرمایه گذاری اولیه می باشد پس جریان نقدی هر سال معادل ۵۱ برابر مبلغ سرمایه گذاری

اولیه بوده است در نتیجه نرخ بازده داخلی ۵۰٪ است.
$$NPV = PV - I$$

$$28 = 1,8 - 1 = 1,8$$

۲۶- فروش
- بهت بی
سود ناخالص
- هزینه ثابت
سود خالص
$$\frac{51-1-}{21-1-} = 2,4$$

در درجه باز باز بهت سرمایه

۳۰- بهت بی سرمایه گذاری = $\frac{n}{2,4} = 3 \Rightarrow n = 7,2$
خالص جریان نقدی

$$\frac{n}{2,4} = 3 \Rightarrow n = 7,2$$

در درجه باز باز بهت سرمایه گذاری

بهت بی سرمایه گذاری = $4-1- + 9-1- = 13-1-$



۱۳۵۰-	عمره جبرئیل نقدی در هزینه ها	۳۱-
(۱۰۰-)	هزینه استهلاک	
۳۵۰-	نقد قبل از مالیات	
(۱۴۰-)	مالیات (۴۰٪)	
۲۱۰-	نقد بعد از مالیات	
۱۰۰-	+ هزینه استهلاک	
۱۲۱۰-	خالص جریانات نقدی در سودی	

$$\frac{۵۰۰-}{۱۲۱۰-} = \frac{۵۰۰-}{۱۲۱۰-} = ۴۱\%$$

۳۲- سال	میزان سرمایه گذاری	نرخ بازده داخلی ۱۰٪	میزان سرمایه گذاری
۱	۳,۴۳۹-	۶۹۰۹٪	
۲	۴,۱۳۰-	۸۲۶٪	
	۷,۵۶۹-		

$$\frac{۱۰۰-}{۲۱۰-} = \frac{۱۰۰-}{۲۱۰-} = ۴۷\%$$

۲۹۰۰-	عمره جبرئیل نقدی در هزینه ها	۳۳-
(۱۰۰-)	هزینه استهلاک	
۱۰۰-	نقد قبل از مالیات	
۲۹۰۰-	مالیات (۴۰٪)	
۲۸۰۰-	نقد بعد از مالیات	
۲۸۰۰-	+ هزینه استهلاک	
۲۸۰۰-	خالص جریانات نقدی در سودی	

$$۷۷\% = ۸۸\% - ۱۱\% = ۷۷\% \quad \text{ارزش فعلی یک ریال در سال دوم}$$

$$۶۶\% = ۳۲\% - ۳۴\% = ۶۶\% \quad \text{ارزش فعلی یک ریال در سال سوم}$$

سال	عمره جبرئیل نقدی	٪۱۴	ارزش فعلی
۱	۳۱۰۰-	۸۸٪	۲۹,۴۰۰
۲	۳۱۰۰-	۷۷٪	۲۳,۱۰۰
۳	۲۸۰۰-	۶۶٪	۱۳,۴۰۰
			۶۲,۹۰۰

ارزش فعلی عمره جبرئیل نقدی آن



$$NPV = 2,8 - \times 1,74 = 4,350$$

۳۸- سود قبل از مالیات ۷,۸-
مالیات (۵,۱-)
خالص هزینه های نقدی ۲,۷-

سال	جریان های نقدی	نرخ ۱۸٪ ارزش آتی	بالا ترین رقم سرمایه گذاری
۱	۵,۷۰۰	۱,۱۸	۵۷,۸-
۲	۸,۷۰۰	۱,۳۲۳	۱۰۵,۸۴۰
			۱۶۳,۳۴۰

$$-۳۷- (۱۰۱-۱- \times ۷,۵۷) + (۲,۷ \times \text{مبلغ صرفه جویی نقدی}) = ۵,۷۰۰$$

$$۱۲,۳۰۶,۰۰۰ = ۱۱,۳۰۵,۵۵۵ = \text{مبلغ صرفه جویی نقدی}$$

سال	خالص هزینه های نقدی	خالص هزینه های نقدی
۸۸	-	-
۸۹	-	-
۹۰	۵,۷-	۵,۷-
۹۱	۵,۷-	۵,۷-
۹۲	۵,۷-	۵,۷-
۹۳	۱,۷-	۱,۷- *
۹۴	۱,۷-	۱,۷- *
۹۵	۱,۷-	۱,۷-
۹۶	۱,۷-	۱,۷-

سرمایه گذاری اولیه ۲,۷-
خالص هزینه های نقدی ابتدا شده ۱۱,۳۰۵,۵۵۵
سال پنجم (۲,۷۰۰-)
مشارکت نقدی مورد نیاز برای بازگشت سرمایه در سال ششم ۵,۷-

$$\frac{۵,۷-}{۱,۷-} = ۵۰\% \times ۱۲ = ۶,۸۵$$

$$۶,۸۵ + ۵,۷ = ۱۲,۵۵ \text{ سال}$$



$$\text{نرخ بازده حسابداران بر مبنای متوسط سرمایه گذاری} = \frac{\text{سود خالص}}{\frac{\text{ارزش اوراق} + \text{سرمایه گذاری}}{2}} = \frac{21}{\frac{1751 - 381}{2}} = 7.5\% \Rightarrow 7.5\% = 82.5\% - 39$$

$$\text{حزینة استهلاک} = \frac{1751 - 381}{8} = 171.8$$

$$\text{خالص هزینه های نقدی} = 82.5 + 171.8 = 254.3$$

$$\text{دوره بازگشت سرمایه} = \frac{1751}{254.3} = 6.89$$

$$\text{نرخ بازده داخلی} = 18\% + (3\% \times \frac{1-1.07^{-6.89}}{1-1.07}) = 19\%$$

$$\text{نرخ بازده داخلی} = 18\% - (2\% \times \frac{1-1.07^{-6.89}}{1-1.07}) = 16\%$$

$$NPV = PV - I$$

$$12,120 = (81 - 4,864) \times 21 \Rightarrow 21 = 352,400$$

$$\frac{1-1.07^{-6.89}}{1-1.07} = 1.07 \rightarrow \frac{(1.07)}{1.07} = \frac{281}{181}$$

سود خالص
- هزینه استهلاک
سود خالص

$$\text{نرخ بازده حسابداران} = \frac{181}{12,120} = 1.5\%$$

$$\frac{7-1 + 1-1 - 1-1}{8} = \frac{(181)}{321}$$

سود خالص
- هزینه استهلاک
سود قبل از مالیات

$$NPV = (4041 - 3,905) \times 21 + (107 - 7,867) \times 1.5 = 812,120$$

مالیات (30%)
سود بعد از مالیات
+ هزینه استهلاک



$$\text{نرخ بازده حسابداري} = \frac{۲۲۴۱-}{۱۰۰-} = \boxed{۲۲,۴\%}$$

- ۴۸

$$\text{نرخ بازده حسابداري بر مبنای سرمایه گذار} = \frac{۲۲۴۱-}{\frac{۱۰۰- + ۱۰۰-}{۲}} = \boxed{۴۰,۷۳\%}$$

۸۰۰-	عمر فرجی نقدی هزینه ها	- ۴۹
(۴۰۰-)	- استهلاک	
$\frac{۲۰۰-}{۵} = ۴۰۰-$	مورد قبل از مالیات	
(۴۰۰-)	مالیات (۴۰٪)	
۶۰۰-	مورد بعد از مالیات	
۴۰۰-	+ استهلاک	
۴۰۰-	خالص جریان نقدی ورودی	

$$\text{دوره بازافت سرمایه} = \frac{۲۰۰۰-}{۴۰۰-} = \boxed{۴,۳۵}$$

۱۷,۴۳۴,۰۰۰

- ۵۰

$$NPV = (۴,۶۰- \times ۳,۷۶) - ۲۰۰۰- = \boxed{(۲,۸۶۶-)}$$

$$۳,۷۶ \xrightarrow{\text{حش صو}} \frac{1 - \frac{1}{(۱,۱۰)^۴}}{۱۰\%} = \boxed{۳,۷۶}$$



فصل ششم: صنعتی ۱-۱ =
انحراف ترکیب فروشی الف = $(218,994 - 400) \times 10,000 = 1,833,340$

ب " " " = $(250 - 633,333,333) \times 8,000 = (1,499,997)$
 $399,999$

۴۰۰ مصرف ب = ۹۰۰ فروش بودجه ای ۲۰۰ مصرف الف = ۹۰۰ فروش بودجه ای

فروش واقعی = ۹۵۰ $x = 218,994$ فروش واقعی = ۹۵۰ $x = 333,333,333$

۲- $120,000 \div 600 = 200$ نرخ واقعی

مقدار واقعی $\times$ (نرخ بودجه ای - نرخ واقعی) = انحراف نرخ فروشی

$19,000 = (200 - x) \times 600 \Rightarrow x = 180$

روز یزد گداشت حافظ - روز ملی کاشی اترات بلایای طبیعی



۳- نرخ بودجه ای $\times$ (ترکیب بودجه ای از واقعی - مقدار واقعی) = انحراف ترکیب فروشی

الف " " " = $\left\{ 9,240 \times \left[\frac{61080}{9,240} - 7/6 \right] \right\}^{326} \times 4,1 = 1,344,000$

ب " " " = $9,240 \times \left[\frac{1140}{9,240} - 7/4 \right] \times 3,1 = (1,008,000)$
 $339,000$



$$100 \times 4\% = 4$$

$$ن = 180 \times (100) = 18000$$

$$228 \times 4\% = 9.12$$

۷- طبق جزوه مدرکات شریف $\Rightarrow$ تعداد فروش بودجه شده را 21000 واحد در نظر می گیریم

بودجه شده	واقعی
$21000 \times 4\% = 840$	$11200 + (500) = 11700$

$21000 \times 4\% = 840$	$11200 + 500 = 11700$
--------------------------	-----------------------

نرخ فروش بودجه ای $\times$ (ترکیب بودجه ای از حجم فروش واقعی - تعداد فروش واقعی) = اغراف ترکیب فروش

$$ن = (440 - 840) \times 100 = 40000$$

$$ب = (912 - 840) \times 228 = 16416$$

مساعد

-۸

$$\frac{ن}{ب} = \frac{40000}{16416} = 2.437$$

اغراف نرخ + اغراف حجم = اغراف کل ب تا ش

$$16416 = 24000$$

۹- میانگین نرخ سالانه فروش هر واحد $\times$ (تعداد فروش بودجه ای - تعداد فروش واقعی) = اغراف حجم (هائیه) فروش

$$ن = (2120 - 840) \times 44 = 55280$$

$$ب = 100 - 56 = 44$$

نرخ استاندارد برابر ثابت $\times$ (تعداد تولید بودجه شده - تعداد تولید واقعی) = انحراف حجم حالی فروش

$$= ۵۵۰ = ۵۰۰ + ۵۰ = \text{تعداد تولید بودجه شده}$$

$$= ۵۳۰ = ۴۵۰ + ۸۰ = \text{واقعی}$$

$$۱۹ = ۷۵ - ۵۶ = \text{نرخ هزینه های ثابت}$$

$$= ۱۸ = ۱۹ - ۱ = \text{استاندارد برابر ثابت}$$

$$= (۳۰۰) = (۵۳۰ - ۵۵۰) \times ۱۸ = \text{انحراف حجم برابر ثابت}$$

$$-۱۰ \quad \text{مقدار واقعی} \times (\text{نرخ بودجه برای} - \text{نرخ واقعی}) = \text{انحراف نرخ فروش}$$

$$= (۱۲۰ - ۱۲۱) \times \underbrace{(۹ - ۹)}_{(۱۰)} = (۱۲۰ - ۱۲۱)$$

$$-۱۱ \quad \text{نرخ فروش واقعی} = \frac{\text{فروش واقعی}}{\text{تعداد تولید واقعی}} = \frac{۹۰۰}{۲۱۵} = ۴۲۰$$

$$\text{تعداد تولید بودجه برای} = \frac{۲۱۵}{\%۱۲۵} = ۲۱۰ \Rightarrow \text{تعداد تولید بودجه برای} = ۲۱۰$$

$$= ۲۸۵ = \frac{۸۷۰۰۰}{۲۱۰} = \text{نرخ فروش بودجه برای} = \frac{\text{فروش بودجه برای}}{\text{تعداد تولید بودجه برای}}$$

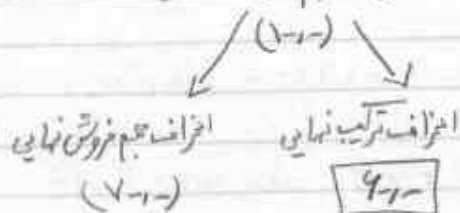
$$= (۱۱۲,۵۰) = [۲۸۵ - ۲۴۰] \times ۲,۵۰ = \text{انحراف نرخ فروش}$$

$$-۱۲ \quad \text{نرخ فروش بودجه برای} \times (\text{تعداد تولید بودجه برای} - \text{تعداد تولید واقعی}) = \text{انحراف حجم فروش}$$

$$= (۱۴۲,۵۰) = (۲,۵۰ - ۲,۱۰) \times ۲۸۵$$



۱۳- انحراف حجم بود ناخالص


 ۱۴- میانگین قیمت فروش بود $\times$ درصد سهم بودجه‌ای بازار $\times$ (حجم فروش بودجه‌ای بازار - حجم فروش واقعی بازار) = انحراف اندازه بازار

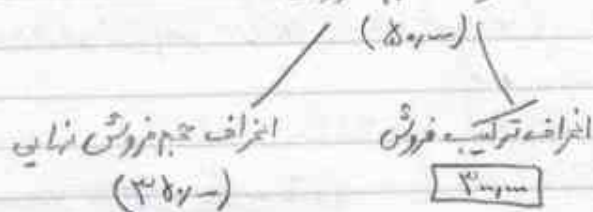
$$\boxed{(9.1)} = (2.1 - 24.0) \times 10\% \times 50$$

 میانگین قیمت فروش بودجه‌ای $\times$ حجم فروش واقعی بازار $\times$ (درصد سهم بودجه‌ای بازار - درصد سهم واقعی بازار) = انحراف سهم بازار

$$\boxed{(9.1)} = (8\% - 10\%) \times 2.1 \times 50$$

$$\text{انحراف حجم فروش} = (2.1) + (2.1) = \boxed{(4.1)}$$

۱۵- انحراف حجم فروش



۱۶- انحراف اندازه بازار + انحراف سهم بازار = انحراف حجم فروش

$$1.1 = (5.0) + \boxed{9.1}$$

 میانگین حاشیه بودجه‌ای $\times$ اندازه واقعی بازار $\times$ (درصد سهم بودجه‌ای بازار - درصد سهم واقعی بازار) = انحراف سهم بازار

$$(5.0) = (1.8 - x) \times 9.1 \times 50 \Rightarrow x = 20\%$$

 میانگین حاشیه بودجه‌ای $\times$ درصد سهم بودجه‌ای بازار $\times$ (اندازه بودجه‌ای بازار - اندازه واقعی بازار) = انحراف اندازه بازار

۱۷- رابطه حجم فروش با حجم به دست بی معکوس می باشد. انحراف نرخ فروش $(3,750,000) = 12.5\% \times 30,000,000$

انحراف کل فروش $1,250,000 = (3,750,000) + 2,500,000$

انحراف کل بهای ت. شده $(1,000,000) = 1,250,000 \div 1.25$

۱۸- انحراف حجم سود ناخالص
 $3,520,000$
 انحراف ترکیب فروش نهایی
 $(17,014,000)$
 $x = 822,900$

$$\frac{\text{سود ناخالص بودجه‌ای}}{\text{فروش بودجه‌ای}} = \frac{\text{نرخ سود ناخالص بودجه‌ای}}{\text{نرخ فروش بودجه‌ای}} = 30\% \Rightarrow \text{نرخ سود ناخالص بودجه‌ای} = 1,200 \times 30\% = 360$$

نرخ سود ناخالص هر واحد x (ترکیب بودجه‌ای از حجم فروش واقعی - حجم فروش واقعی) = انحراف ترکیب سود ناخالص

نرخ فروش بودجه‌ای x (ترکیب بودجه‌ای از حجم فروش واقعی - حجم فروش واقعی) = انحراف ترکیب فروش

$$\frac{822,900}{360} = 2,283 \times 1,200 = 2,740,000$$



فصل هفتم: صنعت ۱ = ۲۴ -

$$\text{نرخ بازده سرمایه گذاری} = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{سرمایه گذاری}} \Rightarrow ۲۰\% = \frac{x}{۲۵۰۰۰} \Rightarrow x = ۵۰۰۰۰$$

$$\text{حاشیه سود خالص} = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{فروش}} \Rightarrow ۱/۴ = \frac{۵۰۰۰۰}{x} \Rightarrow x = ۱,۲۵۰,۰۰۰$$

$$\text{گردش سرمایه} = \frac{\text{فروش}}{\text{سرمایه گذاری}} = \frac{۱,۲۵۰,۰۰۰}{۲۵۰,۰۰۰} = ۵$$

$$\text{نرخ بازده مورد انتظار} - \text{نرخ بازده سرمایه گذاری} \times \text{سرمایه گذاری} = \text{سود باقی مانده}$$

$$۱۰\% - ۱۶\% \times (۲۵۰,۰۰۰ - x) = ۱۰۰,۰۰۰$$

$$۲۴ - (۶۰۰,۰۰۰ + ۶۰۰,۰۰۰) = ۹۰۰,۰۰۰ = \text{سود}$$

$$\text{نرخ بازده سرمایه گذاری} = \frac{۹۰۰,۰۰۰}{۷۰۰,۰۰۰} = ۱۲۹\%$$



۲۶ -

$$\text{نرخ مورد انتظار} \times \text{سرمایه گذاری} - \text{سود عملیاتی} = \text{سود (زیان) باقی مانده}$$

$$(۷۰۰,۰۰۰ \times ۱۸\%) - ۹۰۰,۰۰۰ = (۶۰۰,۰۰۰ - ۴۸۰,۰۰۰)$$

$$CM = ۹۰۰,۰۰۰ - ۴۸۰,۰۰۰ = ۴۲۰,۰۰۰$$

۳۰ - هزینه هر پرس غذا

$$(x + ۱۰\%x) + ۳\%(x + ۱۰\%x) = ۸۹,۹۵۰ \Rightarrow x = ۸۰,۰۰۰$$

ملاحظات ارزش افزوده

$$-۳۱ \quad \text{گردش هر ماه} = \frac{\text{فروش}}{\text{کل دارایی های عملیاتی}} = ۶۸ = \frac{۲۱-۱-}{x} \Rightarrow x = ۸-۱-$$

$$EVA = (\text{بررسی های جاری} - \text{کل دارایی های عملیاتی}) \times \text{میانگین نرخ بازده مورد انتظار} - \text{مورد عملیاتی پس از کسوف ایست} = EVA$$

$$EVA = ۴-۱- - x(۱-۱۰\%) - [۰.۷\% \times (۸-۱- - ۴۰,۰۰۰)] = ۳۰.۹۱۸-$$

$$۳۰۰x = ۲۸۰(x+۲) + ۴۰ \quad -۲۹$$

$$۳۰۰x = ۲۸۰x + ۵۶۰ + ۴۰$$

$$۲۰x = ۶۰۰ \Rightarrow \frac{۶۰۰}{۲۰} = ۳۰ \quad \text{مقیاس خرد}$$

$$۳۰ + ۲ = ۳۲ \quad \text{مقیاس فروش}$$